



## چست و چالاک است اندر جست و جو نکته‌ها می‌بیند اما موبه‌مو جست و جوگری کودک

### اشاره

چندی پیش در خیابان و نزدیک چهارراه جمعیتی جمع شده بودند. وجود جمعیت مانع از آن می‌شد که موضوع و علت این گردهمایی معلوم شود. آدم بود که از چهار طرف به سمت شلوغی می‌رفتند و هر لحظه جمعیت متراکم‌تر می‌شد. اگر شما در آنجا بودید دوست داشتید هر چه زودتر خودتان را به شلوغی برسانید بلکه ماجرا را از نزدیک ببینید و علت تجمع را جویا شوید. از شما چه پنهان من که خودم را سر صحنه رساندم. لابد دوست دارید بفهمید که ماجرا چه بود؟ راننده‌ای در حال سبقت گرفتن زده بود به ماشینی که راننده‌اش تازه پارک کرده بود. سپرش خورده بود به در سمت راننده. هر دو راننده دست به یقه شده بودند. عده زیادی فقط تماشاچی بودند و چند مرد هم به آن‌ها نزدیک شده بلکه بتوانند یقه‌های آن‌ها را از دست یکدیگر برهاند که پلیس سر رسید.

مقاله‌ای که در پس مشاهده ذکر شده در بالا می‌آید، همان‌طور که در عنوان آمده. درباره جست‌وجوگری است. پیش‌درآمدش با مشاهداتی از کندوکاو و میل به شناخت دنیای پیرامون در یک کودک است. بعد از آن بحثی مختصر درباره این میل و استعداد خدادادی در بشر است.

### نمونه‌هایی از جست‌وجوگری یک کودک

در یک‌ماهگی وقتی او را بیرون می‌بردیم دوست داشت صورتش را به سمت پنجره ماشین بگردانیم تا مناظر بیرون را تماشا کند.

در چهل‌روزگی، در ماشین، وقتی گریه کرد او را به حالت ایستاده به طرف پنجره ماشین در آغوشم گذاشتم. به محض اینکه چشمش به بیرون افتاد، گریه‌اش ساکت شد و دقایقی در حالی که مردمک چشمش از راست به چپ و چپ به راست حرکت می‌کرد، ده دقیقه‌ای با اشتیاق مناظری را که از جلوی او رد می‌شدند، از نظر گذرانید. بعد صدای گریه‌اش بلند شد. نگاهش کردم. متوجه شدم کلاهش پایین آمده و جلو دیدش را گرفته. وقتی کلاهش را به حالت اول برگرداندم، آرام شد و به مشاهداتش ادامه داد.

در چهارماهگی وقتی شب‌هنگام در ماشین بودیم، سایه ماشین‌هایی که از آنجا رد می‌شدند و روی دیوار می‌افتادند را نگاه می‌کرد و دستش را به سمت آن‌ها می‌برد تا سایه‌ها را بگیرد. در سه‌ماهگی وقتی در نی‌نی لای‌لای خود دراز کشیده بود، توپ‌پای را که نخ‌پای به آن آویزان بود، به سمت صورتش بردم. در حالی که دهانش را باز کرده بود دستش را به طرف توپ برد ولی موفق به گرفتن توپ نشد.

در پنج‌ماهگی وقتی که روی لحافش دراز کشیده بود، برای دستیابی به اسباب‌بازی که سر لحافش بود روی سینه برگشت، دستش را به سمت آن دراز کرد که دستش نرسید. با چنگ زدن به لحاف و تکان دادن پاهایش، با جمع شدن لحاف موفق شد به اسباب‌بازی دست یابد.

در شش‌ماهگی به حالت سینه‌خیز به سمت جفجغه‌اش رفت. آن را از راست به چپ حرکت داد و وقتی صدای آن درآمد نگاه کرد و خندید. بعد آن را روی زمین کشید. نگاه کرد. گویی این دانشمند کوچک به کشف دیگری نایل شده بود و داشت کشف جدید خود را به من اعلام می‌کرد.

در هفت‌ماهگی وقتی با روراکش به قوطی جابرنج که اندکی برنج داشت، کوبید و صدای شنگ شنگ برنج‌ها بلند شد خنده‌کنان چندین بار این کار را انجام داد تا صدای جدیدی را که بر اثر کشف جدیدش شنیده با گوش جان به خاطر بسپارد. وقتی با چهار دست و پا راه افتاد دیگر همه جای خانه برایش جذاب بود. او در خانه راه می‌افتاد و سعی می‌کرد هر چیزی را از کتوشها تا کمدها تا اشیایی که در دیدرسش بودند به دست بگیرد، آن را به دهانش ببرد تا آن را شناسایی کند.



کودک با چشم و گوش دنیای اطرافش را جست و جو می کند و مشتاق است که ببیند در پیرامونش چه می گذرد و همه چیز برایش جدید است

- چرا خونه‌ای دیگه.
- برای اینکه می خوام کارهایم را انجام دهم.
- چرا می خوام کارهایم را انجام بدی؟
- آگه من کارهایم را انجام ندی پس کی کارها را بکنی؟
- الان چیکار می کنی؟
- دارم کتاب می خونم.
- چرا کتاب می خونی؟
- می خوام ببینم تو این کتاب چی نوشته.
- چرا می خوام ببینی که چی نوشته؟
- برای اینکه می خوام یاد بگیرم.
- چرا می خوام یاد بگیری؟
- برای اینکه همه چی را بدونم.
- چرا می خوام همه چی را بدونی؟
- چون آدم‌ها خوبه که همه چی را بدونند.
- هزارها نمونه از این دست کارها، بررسی‌ها، کندوکاوها و جست و جوگری‌ها را می توان در هر کودکی مشاهده کرد.

### جمع بندی و نتیجه گیری

چند نمونه از مشاهداتی که در قبل ذکر شد مربوط به رفتارهای جست و جوگرانه کودکی است از دوره نوزادی تا حدود سه سالگی. طبعاً این موارد و بیشتر از آنها برای هر کسی که با کودک سروکار دارد رویت شده است. کودک با چشم و گوش دنیای اطرافش را جست و جو می کند و مشتاق است که ببیند

قوطی‌ها، بطری‌ها را روی زمین می‌غلطانند و چهار دست و پا به دنبالشان می‌رفت و غلتیدن آن‌ها را با دقت نگاه می‌کرد و وقتی به مانعی برمی‌خوردند که حرکتشان متوقف می‌شد آن‌ها را در دست می‌گرفت و با چشم و دست و چشیدن آن‌ها در کندوکاو در آن‌ها غور می‌کرد. اگر تسبیحی، کتابی، خودکاری یا هر چیز دیگری را در دست داشتیم چهار دست و پا، شتابان به سمتشان می‌آمد، آن را می‌کشید تا بگیرد و ببیند و لمس کند و در دهانش گذارد. گاه آن را پرت می‌کرد تا صدایی که از آن برمی‌خاست و یا شکلی جدید که به خود می‌گرفت را ببیند و تجربه کند. به دنبالش راه می‌افتاد تا بار دیگر آن را به دست گیرد و مورد مذاقه قرار دهد. باز پرتش می‌کرد و یک بار دیگر به صدایی که ایجاد شده با دقت بیشتری گوش می‌کرد.

وقتی راه افتاد روی نوک انگشتان پای خود می‌ایستاد، دستش را تا آنجا که می‌شد، دراز می‌کرد تا اشیایی که بالا بودند را به دست بیاورد. آن‌ها را با لامسه و چشیدن شناسایی کند. بعد یاد گرفت که اگر از چهارپایه، یا یک کتاب، یک قابلمه و یا... استفاده کند، دسترسی به چیزهای بالاتر میسر می‌شود و می‌تواند اشیای روی طاقچه‌ها، کمد‌ها، میز و... را راحت‌تر به دست آورد و جواب سؤال ذهنی خود را پیدا کند. معمولاً اولین چیزی را که تشنه به دست آوردنش بود گوشی همراه بود. در هر فرصتی، آن را از روی میز این آشپزخانه یا هر جای دیگر برمی‌داشت. کم‌کم یاد گرفته بود گوشی را به گوشه‌ای ببرد که کسی نتواند او را ببیند و مدت‌ها با لمس صفحه آن و گشت و گذار در آیکون‌های مختلف آن عطش جست و جوگری خود را درباره چیزی که او را از داشتنش منع می‌کنند، رفع کند.

در یازده ماهگی صدف‌ها و سنگ‌هایی را که از ساحل دریا آورده بودم و در قوطی پلاستیکی نگه داشته بودم بارها و بارها از بطری بیرون می‌آورد، نگاهشان می‌کرد و به دهانش می‌گذاشت و دوباره در بطری قرار می‌داد. بعد از اینکه چند تایی آن‌ها را در بطری می‌گذاشت و بطری را برمی‌گرداند، آن‌ها را بیرون می‌ریخت و سرخوش از شناخت هر چه بیشتری که از صدف‌ها و سنگ‌ها پیدا کرده بود، لبخند می‌زد.

وقتی زبانش به جمله و عبارت باز شد، جست و جوگری او به شکل پرسشگری نمود پیدا کرد. در دوسالگی با پرسش این چیه؟ به شناخت اشیای دور و اطرافش نایل می‌شد. از دو و نیم سالگی به بعد چراها و پرسش‌های پیگیر او شروع شد تا درباره همه چیز شناخت بیشتری پیدا کند. یک نمونه از این گونه پرسشگری را که در یک مکالمه تلفنی من با او صورت گرفته، در زیر می‌آورم.

کودک: الان کجایی؟

من: خونه‌ام.

- چرا خونه‌ای؟

- خوب خونه‌ام دیگه



#### جست‌وجوگری، استعداد ذاتی

و خدادادی  
است و نیازی  
به ایجاد چنین  
حسی در کودک  
نیست. تنها کار  
ما این است  
که این آتش  
جست‌وجوگری  
در کودک را  
شعله‌ور نگه  
داریم

در پیرامونش چه می‌گذرد، او هنوز دنیای اطرافش را نمی‌شناسد، تجربه‌ای نسبت به آن‌ها ندارد و همه چیز برایش جدید است. برای همین، او تشنه دیدن مناظر و اشیا و شنیدن صداهای پیرامونش است. درواقع، همه جا، همه چیز و همه کس برای او سوژه یادگیری است. وقتی توانایی این را پیدا کرد که دستش را به سمت اشیا و چیزهای نزدیکش دراز کند، علاوه بر حس بینایی و شنوایی از حس لامسه و چشایی‌اش نیز کمک می‌گیرد تا به جنبه‌های بیشتری از شناخت آن‌ها دست یابد. هنگامی که توانایی حرکت کردن را پیدا می‌کند، به اشیا دورتر از خود دست می‌یابد. او چهاردست‌وپا و بعد با راه رفتن روی دو پا، دوردست‌ترها را جست‌وجو می‌کند. در اینجا دامنه بیشتری از حس جست‌وجوگری در او نمایان می‌شود.

در آن هنگام، اسباب‌بازی‌ها و اشیا دیگر را پرت می‌کند چون می‌خواهد بفهمد در برخورد آن‌ها با زمین چه اتفاقی روی می‌دهد، آن‌ها چه بردی دارند، چه صدایی از خودشان بروز می‌دهند و کلاً چه تغییراتی در آن‌ها ایجاد می‌شود. علاوه بر آن، اشیا را بر هم می‌کوبد تا ببیند از برخورد آن‌ها با یکدیگر چه صدایی تولید می‌شود. او شیفته دانستن نتیجه حاصل از این برخوردهاست، زیرا او مانند ما بزرگترها نیست که در طول زندگی‌مان، بارها چنین

تجربه‌هایی را خواسته یا ناخواسته به دست آورده‌ایم. حتی چند بار این کارها را تکرار می‌کند تا تجربه‌اش را عمیق‌تر کند. بر کسی پوشیده نیست که این کارها را همه آدم‌ها در طفولیت خود انجام داده‌اند. ما هم انجام داده‌ایم. اگر بارها هم سرمان داد کشیده‌اند و دعویمان کرده‌اند ولی چون ارضای کنجکاویمان، یافتن پاسخ برای سؤال‌هایمان برایمان مهم‌تر بوده، همه داد و فریادها را به جان خریدهایم.

با بروز توانایی گفتار در کودک که برقراری ارتباط وی با دیگران بیشتر می‌شود، همچنین با طرح سؤال‌های چستی و چرایی از بزرگترها، به شناخت بیشتری از پیرامونش دست می‌یابد. به هر حال انسان از تولد تا پیری حتی تا لحظه مرگ به دنبال کشف و دانستن است. داستان معروف ابوریحان بیرونی را حتما شنیده‌اید که او در حالی که در بستر بیماری و روبه‌قبله بود باز از عیادت‌کننده‌اش که مردی فاضل بود می‌خواست پاسخ سؤالش را دریافت کند. با چنین گرایش و استعداد ذاتی است که انسان به دنبال علم‌آموزی می‌رود و این ابزار قوی است که بشر را به کمال می‌رساند.

این حس، دانشمندان و محققان را در زمینه‌های مختلف علمی به این کار و داشته تا سالیان مدیدی را بدون خستگی، به جست‌وجو پردازند، فرضیه بسازند، آن‌ها را آزمایش کنند و راه‌های مختلف را پی گیرند تا به کشف یک حقیقت علمی نایل شوند. منجمان سالیان سال تلسکوپ‌هایشان رو به فراسوی زمین بوده و درباره کهکشان‌ها به تحقیق و جست‌وجو پرداخته‌اند. سال‌هاست که زیست‌شناسان، فیزیک‌دانان و شیمی‌دانان به دنبال کشف پدیده‌ها و قوانین حاکم بر جهان طبیعی‌اند و همواره از تفحص و جست‌وجو از پای ننشسته‌اند. پزشکان، روانکاوان، جامعه‌شناسان و دیگر افرادی که موضوع رشته علمی‌شان به انسان مرتبط بوده، به طوری مشغول جست‌وجو و کشف جنبه‌های مختلف ناشناخته انسان و محیط زندگی او اعم از جسم و ذهن او، نحوه کارکرد مغز او، تأثیر انسان بر طبیعت و بر یکدیگر بوده‌اند.

عارفان و سالکان نیز برای کسب معرفت به خود و خدای خود به جست‌وجوگری در درون خود می‌پردازند و با سفر در دنیای درونی خود سعی دارند بتوانند به خودشناسی و خداشناسی برسند زیرا به باور اهل معرفت در وجود انسان جهانی نهفته است. به عبارتی کل هستی در وجود انسان متجلی است. ولی تاکنون انسان بیشتر از اینکه به دنبال کشف و شناخت گنجینه‌های درون خود باشد بیشتر بیرون از خود را جست‌وجو می‌کرده است.

به هر حال این استعداد ذاتی و خدادادی است و نیازی به ایجاد چنین حسی در کودک نیست. تنها کار ما این است که این آتش جست‌وجوگری در کودک را شعله‌ور نگه داریم. مبادا کم‌حوصلگی ما بزرگ‌ترها باعث خاموشی و سرکوب این حس گردد.